

نگاه

مدارسی که بنیادگرایی درس می‌دهند

شمار مدارس دینی در پاکستان به ویژه در ایالت پنجاب رو به افزایش است. بر اساس آمار رسمی که مسوولان سازمان موسوم به اتحاد تنظیمات مدارس در این کشور ارائه می‌کنند، حدود بیست هزار مدرسه دینی در پاکستان ثبت شده است.

مولانا محمد حنیف جالندهری از مسوولان ارشد اتحاد تنظیمات مدارس پاکستان می‌گوید در این مدارس حدود دو میلیون شاگرد مرد و زن مصروف آموزش علوم دینی‌اند. برخی از سیاستمداران پاکستانی در پاسخ به این نگرانی‌ها که مدارس در گسترش بنیادگرایی نقش مهم داشته، می‌گویند در دهه ۸۰ زمانی که جهاد افغانستان آغاز شد، برخی از مدارس دینی در پاکستان نقش مهمی در جهاد افغانستان ایفا کردند. پس از آن افراد زیادی از مدارس دینی در آنچه «جهاد کشمیر» خوانده می‌شود، سهم گرفتند. در همین رابطه انگشت اتهام فعالیت گروه‌هایی که اخیراً به عنوان طالبان پاکستانی ظهور کرده و دست به فعالیت‌های خشونت‌بار می‌زنند، نیز متوجه برخی از این مدارس است. تاج‌محمد لنگاه رهبر حزب سیاسی موسوم به «پاکستان سرائیکی پارٹی» می‌گوید بیشتر مدارس در جنوب پنجاب از سوی جمعیت علمای اسلام (جی‌یو‌ای) به رهبری مولانا فضل‌الرحمن اداره می‌شوند. اما مولانا صفی‌الله یکی از مسوولان جمعیت علمای اسلام و رئیس یکی از این مدارس، موضوع استخدام ستیزه‌جویان از طریق مدارس را رد کرده و می‌گوید: علیه مدارس اتهام وارد می‌شود اما شواهد و مدارکی ارائه نمی‌شود. در مدارس خشونت وجود ندارد و چنین مسائلی نیز تدریس نمی‌شود.

اما تاج‌محمد لنگاه این موضع‌گیری آقای صفی‌الله را نمی‌پذیرد. او می‌گوید: زمانی از یک مدرسه در منطقه «سه کوهته» در نزدیکی شهر مولتان ۷۰۰ طالب برای جنگ به افغانستان فرستاده شدند و دو وزیر مربوط به جمعیت علمای اسلام برای ابراز تشکر از مسوولان، از این مدرسه بازدید کردند.

در این حال، محمدحنیف جالندهری از مسوولان اتحاد تنظیمات مدارس می‌گوید: ۳۰، ۴۰ سال قبل در مدارس بنیادگرایی و خشونت وجود نداشت، این پدیده ۱۵ به ۲۰ سال قبل به وجود آمد، بنابراین باید به عوامل به وجود آمدن این مشکل توجه کرد. عایشه صدیقی تحلیلگر مسائل سیاسی در این زمینه به مساله دیگری اشاره می‌کند. خانم صدیقی می‌گوید در مدارس جهاد آموزش داده نمی‌شود اما برای جهاد، افراد از مدارس انتخاب می‌شوند. اما باهرغم این‌گونه اظهارات، برخی‌ها در پاکستان بر این باورند که بیشتر این‌س مدارس در گسترش دیدگاه‌های بنیادگرایی مذهبی نقش آنچنانی آن‌گونه که شماری از احزاب ناسیونالیست در این کشور مطرح می‌کنند، ندارند. شیخ راشد یکی از تاجران پاکستانی می‌گوید اکثر مدنی در ترویج بنیادگرایی نقش‌ی ندارند. راشد در عین حال می‌گوید، مدارس وجود دارند که به نحوی متمم به فراهم کردن امکانات برای ستیزه‌جویان هستند. برخی ناظران معتقدند جوانان به دلیل فقر



و بی‌سوادی به دام بنیادگرایان می‌افتند. اما چگونه ممکن است از ترویج بنیادگرایی و گسترش گروه‌های ستیزه‌جو در پاکستان جلوگیری شود؟ این پرسش حالا به شدت در میان حلقه‌های سیاسی و نهادهای مدنی در این کشور مطرح می‌شود. برخی آگاهان ایران عقیده می‌کنند مدرسی در پاکستان وجود دارد که از حمایت برخی نهادهای مسوول در دفاع از حاکمیت این کشور برخوردار هستند.

تحلیلگران مسائل سیاسی و اجتماعی می‌گویند، تا زمانی که رهبری سیاسی و حکومت پاکستان راهکار مشترک به منظور مبارزه با گروه‌های تندرو اختیار نکنند، بنیادگرایی به طور کامل از میان برداشته نخواهد شد. در بیش از ۲۰ هزار مدرسه دینی در پاکستان نزدیک به دو میلیون نفر مصروف آموزش هستند و برای تمامی این محصلان غذا و محل اقامت رایگان فراهم است. اخیراً در پاکستان این پرسش به شدت مطرح است که میلیون‌ها دالار هزینه‌ای که در این مدارس به مصرف می‌رسد از کجا می‌آید.

عایشه صدیقی تحلیلگر پاکستانی می‌گوید: «تأمین نیازهای مالی مدارس دینی در پاکستان کار مشکلی نیست چرا که علاوه بر زکاتی که از خود پاکستان جمع‌آوری می‌شود، پول هنگفتی هم از بیرون وارد پاکستان می‌شود و روحانیون پاکستانی در ماه رمضان برای دریافت هزینه‌های مدارس به عربستان سعودی سفر می‌کنند.» خانم عایشه می‌گوید: در مورد بررسی مصرف پول در مدارس دینی نه قانونی وجود دارد و نه هیچ یک از مسوولان دولتی می‌توانند یا تمایلی دارند که از مسوولان مدارس می‌پذیرند که افراد متمول

پاکستانی در تأمین هزینه‌های این مدارس نقش مهمی دارند. محمدحنیف جالند هری از مسوولان اتحاد تنظیمات مدارس می‌گوید هزینه ماهانه مدرسه او حدود سه میلیون روپیه (پول رایج پاکستانی) است و این رقم توسط زکات به دست می‌آید. او اما موضوع تأمین مالی مدارس از خارج را رد می‌کند.

منبع: بی‌بی‌سی

شیکا دالمیا تحلیلگر ارشد سیاسی و ستون‌نویس فوربس است. او برنده جایزه اول باستیت مخصوص خبرنگاران آنلاین، به خاطر ستون‌هایش در فوربس و مجله ریزن است. شیکا دالمیا به عنوان نویسنده، مقالات زیادی در مورد مسائل مختلف مربوط به سیاست، محیط زیست، مهاجرت و ... نوشته است. او در دهلی‌نو متولد شد و در رشته شیمی و زیست‌شناسی از دانشگاه دهلی فارغ‌التحصیل شده است. او مدرک کارشناسی خود را در رشته ارتباطات جمعی از دانشگاه لوییز یانا دریافت کرده است. او به دلیل محل تولد و آشنایی با شیوه‌های زندگی سنتی شرقی دیدگاهی کاملاً متفاوت در مورد قانون ممنوعیت برقع که به تازگی در فرانسه تصویب شده، دارد.

شیکا دالمیا تحلیلگر ارشد سیاسی و ستون‌نویس فوربس است. او برنده جایزه اول باستیت مخصوص خبرنگاران آنلاین، به خاطر ستون‌هایش در فوربس و مجله ریزن است. شیکا دالمیا به عنوان نویسنده، مقالات زیادی در مورد مسائل مختلف مربوط به سیاست، محیط زیست، مهاجرت و ... نوشته است. او در دهلی‌نو متولد شد و در رشته شیمی و زیست‌شناسی از دانشگاه دهلی فارغ‌التحصیل شده است. او مدرک کارشناسی خود را در رشته ارتباطات جمعی از دانشگاه لوییز یانا دریافت کرده است. او به دلیل محل تولد و آشنایی با شیوه‌های زندگی سنتی شرقی دیدگاهی کاملاً متفاوت در مورد قانون ممنوعیت برقع که به تازگی در فرانسه تصویب شده، دارد.

من در یک خانواده سنتی هندو در هندوستان متولد شدم و سنت‌های خانوادگی را که دلیل شکسته‌نفسی عمومی دختران است، درک می‌کنم. هنگامی که من به سن بلوغ رسیدم شلوار جین مد شد اما برای سال‌ها تنها راهی که من می‌توانستم بیرون از خانه بدون خطر انفجار هسته‌ای کوچکی از طرف پدرم که یک دکتر نسبتاً شهرنشین بود، شلوار جین بپوشم این بود که پیراهن گشادی که به اندازه کافی مرا از پشت و جلو بپوشاند پوشیده باشم. مسلماً هیچ راهی برای پوشیدن لباس شنا نبود. به همین دلیل من هرگز شنا یاد نگرفتم.

گرچه این محدودیت‌ها در مقایسه با آنچه دختران در خانواده‌های شدیداً مذهبی با آن روبه‌رو بودند چیزی نبود اما برای آنکه حس آگاهی‌فمینیستی من با اضطراب و خشم شکوفا‌شود، کافی بود.

من هرگز تصور نمی‌کردم که روزی به خاطر دفاع از پوشش برقع خودم را در برابر کریستوفر هیچنس (نویسنده و روزنامه‌نگار انگلیسی – آمریکایی) که از فرانسه به دلیل وضع قانون ممنوعیت برقع حمایت کرد، قرار بدهم. گویا حضور تعداد زیادی از زنانی که برقع برسر می‌کنند در خاک کشورهای سکولار باعث زیر سوال رفتن ارزش‌های سکولاریسم می‌شود. اما عکس‌العمل آنها بسیار بیشتر از گرایش‌های بنیادگرایانه خیانت به سکولاریسم است. این موضوع هنگامی روشن می‌شود که بین برخورد فرانسه در مقابل برقع با سکولاریسم هندوستان مقایسه شود. چه کسی می‌تواند حتی خیال کند که روزی برقع در هندوستان ممنوع شود؟!

زمانی غیرقانونی بودن برقع تنها در مواردی مانند مراتب رسمی و اداری مثل گرفتن عکس برای گواهینامه رانندگی صادق بود. اما این قانون بسیار فراتر رفت و در عمل پوشیدن برقع در همه مکان‌های عمومی غیرقانونی اعلام شد و زنانی که در قطار یا بیمارستان‌ها برقع می‌پوشیدند جریمه می‌شدند. بعد از آن در سال ۲۰۰۴ قانون ممنوعیت روسری به مدارس آمد. این قانون به تشویق آنان به همانند شدن، کمکی نمی‌کرد اما باعث برافروخته شدن خشم فرانسویان مسلمان شد. اقلیت‌ها پس از این محاصره سخت راه خود را در پیش گرفتند. پس چرا

همه فرانسه علیه برقع

شیکا دالمیا

ترجمه: نزهت امیرآبادیان



فرانسه به انجام این کار احساس نیاز می‌کرد؟ انگار که برقع‌ها مشکلی بزرگ در این کشور هستند. اگر چه آمارها بسیار متفاوت هستند اما مسلمانان کمتر از ۱۰ درصد از جمعیت فرانسه را تشکیل می‌دهند و کمتر از دو هزار نفر از آنها برقع می‌پوشند. این به آن مناسحت که مردم فرانسه به راحتی می‌توانند بدون مواجهه با زنی که برقع پوشیده باشد بیرون بروند. در مقابل هند نزدیک به ۱۴۰ میلیون مسلمان دارد یعنی تقریباً ۱۳/۴ درصد جمعیت خود. میلیون‌ها نفر از آنها برقع می‌پوشند و بعضی روزها بیرون رفتن از خانه بدون راه رفتن در میان زنان برقع‌پوش تقریباً غیرممکن است. فرانسه قطعاً تجربه زیادی در مورد مشکلاتی که توسط این گروه‌ها ایجاد می‌شود، دارد از جمله تازه‌ترین شورش‌های

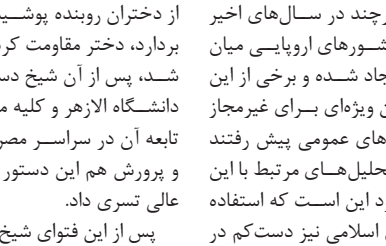
نکته

زمانی غیرقانونی بودن برقع تنها در مواردی مانند مراتب رسمی و اداری مثل گرفتن عکس برای گواهینامه رانندگی صادق بود. اما این قانون بسیار فراتر رفت و در عمل پوشیدن برقع در همه مکان‌های عمومی غیرقانونی اعلام شد و زنانی که در قطار یا بیمارستان‌ها برقع می‌پوشیدند جریمه می‌شدند.



برقع در گذر تاریخ و سنت پوشش پر حاشیه

چهره زنان نشده است؛ هرچند برخی مفسرین با تکیه بر آیه ۳۰ سوره نور به وجوب نقاب مسجد الازهر کرده‌اند. این در حالی است که شهید مرتضی مطهری روینده را از حجاب‌های غیراسلامی می‌داند و معتقد است آیه پوشش، هرگز پوشاندن صورت زنان را واجب نشمرده است. هرچند در سال‌های اخیر جنجال‌های بسیاری در کشورهای اروپایی میان هواداران و مخالفان برقع ایجاد شده و برخی از این کشورها تا تصویب قوانین ویژه‌ای برای غیرمجاز ساختن این پوشش در مکان‌های عمومی پیش رفتند اما نکته‌ای که اغلب در تحلیل‌های مرتبط با این موضوع نادیده گرفته می‌شود این است که استفاده از برقع در بیشتر کشورهای اسلامی نیز دست‌کم در



مکان‌های آموزشی و دولتی غیرمجاز است. شیخ محمد طنطاوی امام جماعت مسجد الازهر و مفتی اعظم پنج ماه پیش از مرگش هنگامی که به دیدار یکی از دبیرستان‌های دخترانه تابع دانشگاه الازهر رفته بود، هنگامی که دید یکی از دختران روینده پوشیده از او خواست روینده‌اش را بردارد، دختر مقاومت کرد که با عصبانیت شیخ مواجه شد. پس از آن شیخ دستور داد پوشیدن روینده در دانشگاه الازهر و کلیه مدارس و موسسات آموزشی تابعه آن در سراسر مصر ممنوع شود. وزارت آموزش و پرورش هم این دستور را به دیگر موسسات آموزش عالی تسری داد. پس از این فتوای شیخ طنطاوی بود که یکی از زنان

پنجشنبه ۳۱ تیر ۱۳۸۹

گزارش

سررد کمی در جهان پنهان سازمان‌های امنیتی

به گزارش روزنامه واشنگتن‌پست، در پی حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا، مقامات این کشور با گسترش سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی، شبکه پیچیده و غیرشفافی را ایجاد کرده‌اند که نظارت بر آن عملاً ناممکن شده است.

روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی از فعالیت سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا پرده برداشته است. تشکیل شبکه اطلاعاتی وسیع و به دور از نظارت عمومی سبب ایجاد «جهانی مخفی و خارج از کنترل» شده است. بنا بر گزارش این روزنامه هیچ‌کس به درستی نمی‌داند بودجه دستگاه‌های امنیتی «کجا و چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرد». گردانندگان واقعی این «جهان مخفی» نیز بی‌نام و نشان هستند. واشنگتن‌پست برای تهیه این گزارش حدود دو سال سرگرم تحقیق و بررسی بوده و نتایج به‌دست‌آمده را دله‌روز آور ارزیابی می‌کند. بنا بر این گزارش در آمریکا بیش از ۱۲۷۱ سازمان دولتی و ۱۹۱۲ شرکت خصوصی وجود دارند که مشغول مبارزه با تروریسم، تأمین امنیت کشور و جمع‌آوری اطلاعات هستند. این سازمان‌ها و شرکت‌ها در بیش از ۱۰ هزار نقطه آمریکا دارای دفتر یا نمایندگی هستند.

واشنگتن‌پست می‌نویسد حدود ۸۵۴ هزار نفر در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی مشغول به کار هستند. همه این افراد از آزمون‌ها و صافی‌های متعددی عبور کرده‌اند و اجازه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری» را دارند. گزارشگران واشنگتن‌پست این پرسش را مطرح می‌کنند که «این تعداد کارکنان که بیش از ۱/۵ برابر جمعیت پایتخت آمریکا را تشکیل می‌دهند، اصولاً به چه کاری مشغول هستند؟»

افراد عادی در سراسر جهان تنها با نام سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) آشنا هستند. اما در اصل در آمریکا دست‌کم ۱۶ اداره بزرگ دولتی در عرصه امنیت و جمع‌آوری اطلاعات وجود دارند که بودجه‌ای حدود ۴۰ میلیارد دلار در سال را به خود اختصاص می‌دهند.

به گفته این روزنامه آمریکایی، در اغلب موارد نتیجه کار این سازمان‌ها با یکدیگر مشابه بوده و سبب اتلاف وقت و هزینه عمومی از یک سو و ایجاد آشفتگی و تضاد کاری از سوی دیگر می‌شود. واشنگتن‌پست بازدهی کار سازمان‌های امنیتی در آمریکا را «تولید زباله» نامیده است.

دوسوم این اطلاعات محرمانه در پنتاگون یعنی در وزارت دفاع آمریکا جمع‌آوری می‌شود، اما تنها تعداد محدودی از کارشناسان این وزارتخانه اجازه باربینی این اطلاعات را دارند. نتیجه این خواهد شد که این «برکاربران» که دارای حقوق ویژه‌ای نیز هستند، ناتوان از هضم، درک و دسته‌بندی اطلاعات موجود باشند. یکی از این کارشناسان پنتاگون گفت: «عمر من آنقدر نیست که بتوانم از همه این اطلاعات سر دریاورم».

به نظر کارشناسان تعدد سازمان‌ها و نهادهای امنیتی– اطلاعاتی و رقابت میان آنان بیش از آنکه مزیتی باشد، ریسک‌های امنیتی را افزایش می‌دهد. به نظر کارشناسان تعدد سازمان‌ها و نهادهای امنیتی– اطلاعاتی و رقابت میان آنان بیش از آنکه

عضو پارلمان مصر تصویب قانونی برای منع استفاده از برقع در اماکن عمومی را خواستار شد. «زنپ رضوان»، از اعضای ارشد پارلمان مصر گفت که روینده مانع از پیشرفت زنان در جامعه می‌شود.
در اقامه‌ای مصر تبدیل شده است. در اقدامی مشابه نیز سوریه چند روز پیش دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها را از پوشیدن حجاب کامل صورت در دانشگاه‌ها منع کرد.

به گفته مقام‌های دولتی این قانون شامل دانشگاه‌های دولتی و خصوصی می‌شود و هدف از آن حفظ و حمایت ماهیت سکولار سوریه است.

البته این قانون که توسط وزارت آموزش عالی این کشور برای اجرا به مراکز آموزشی ابلاغ شده است شامل پوشیدن روسری که در سوریه رایج است، نمی‌شود.

مکان‌های آموزشی و دولتی غیرمجاز است. شیخ محمد طنطاوی امام جماعت مسجد الازهر و مفتی اعظم پنج ماه پیش از مرگش هنگامی که به دیدار یکی از دبیرستان‌های دخترانه تابع دانشگاه الازهر رفته بود، هنگامی که دید یکی از دختران روینده پوشیده از او خواست روینده‌اش را بردارد، دختر مقاومت کرد که با عصبانیت شیخ مواجه شد. پس از آن شیخ دستور داد پوشیدن روینده در دانشگاه الازهر و کلیه مدارس و موسسات آموزشی تابعه آن در سراسر مصر ممنوع شود. وزارت آموزش و پرورش هم این دستور را به دیگر موسسات آموزش عالی تسری داد.

پس از این فتوای شیخ طنطاوی بود که یکی از زنان

مکان‌های آموزشی و دولتی غیرمجاز است. شیخ محمد طنطاوی امام جماعت مسجد الازهر و مفتی اعظم پنج ماه پیش از مرگش هنگامی که به دیدار یکی از دبیرستان‌های دخترانه تابع دانشگاه الازهر رفته بود، هنگامی که دید یکی از دختران روینده پوشیده از او خواست روینده‌اش را بردارد، دختر مقاومت کرد که با عصبانیت شیخ مواجه شد. پس از آن شیخ دستور داد پوشیدن روینده در دانشگاه الازهر و کلیه مدارس و موسسات آموزشی تابعه آن در سراسر مصر ممنوع شود. وزارت آموزش و پرورش هم این دستور را به دیگر موسسات آموزش عالی تسری داد. پس از این فتوای شیخ طنطاوی بود که یکی از زنان

گوگل همین مساله بود.

به نظر می‌رسد هم شرکت گوگل و هم دولت چین ضمن دفاع از اصول خود می‌کشوند به شکلی متناقض اقتصادی‌شان را تأمین کنند. اختلاف میان مغلف و دولت چین می‌تواند به محرومیت این شرکت از بازار رو به رشد اینترنت در چین که ۴۲۰ میلیون مشترک دارد، منجر شود.

از سوی دیگر این اختلاف می‌توانست چین را از یک منبع مهم فناوری اینترنتی که برای این کشور بسیار مهم است، محروم سازد.

دولت چین استفاده از اینترنت برای امور اقتصادی

پنجشنبه ۳۱ تیر ۱۳۸۹

گزارش

سررد کمی در جهان پنهان سازمان‌های امنیتی

به گزارش روزنامه واشنگتن‌پست، در پی حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا، مقامات این کشور با گسترش سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی، شبکه پیچیده و غیرشفافی را ایجاد کرده‌اند که نظارت بر آن عملاً ناممکن شده است.

روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی از فعالیت سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا پرده برداشته است. تشکیل شبکه اطلاعاتی وسیع و به دور از نظارت عمومی سبب ایجاد «جهانی مخفی و خارج از کنترل» شده است. بنا بر گزارش این روزنامه هیچ‌کس به درستی نمی‌داند بودجه دستگاه‌های امنیتی «کجا و چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرد». گردانندگان واقعی این «جهان مخفی» نیز بی‌نام و نشان هستند. واشنگتن‌پست برای تهیه این گزارش حدود دو سال سرگرم تحقیق و بررسی بوده و نتایج به‌دست‌آمده را دله‌روز آور ارزیابی می‌کند. بنا بر این گزارش در آمریکا بیش از ۱۲۷۱ سازمان دولتی و ۱۹۱۲ شرکت خصوصی وجود دارند که مشغول مبارزه با تروریسم، تأمین امنیت کشور و جمع‌آوری اطلاعات هستند. این سازمان‌ها و شرکت‌ها در بیش از ۱۰ هزار نقطه آمریکا دارای دفتر یا نمایندگی هستند.

واشنگتن‌پست می‌نویسد حدود ۸۵۴ هزار نفر در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی مشغول به کار هستند. همه این افراد از آزمون‌ها و صافی‌های متعددی عبور کرده‌اند و اجازه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری» را دارند. گزارشگران واشنگتن‌پست این پرسش را مطرح می‌کنند که «این تعداد کارکنان که بیش از ۱/۵ برابر جمعیت پایتخت آمریکا را تشکیل می‌دهند، اصولاً به چه کاری مشغول هستند؟»

افراد عادی در سراسر جهان تنها با نام سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) آشنا هستند. اما در اصل در آمریکا دست‌کم ۱۶ اداره بزرگ دولتی در عرصه امنیت و جمع‌آوری اطلاعات وجود دارند که بودجه‌ای حدود ۴۰ میلیارد دلار در سال را به خود اختصاص می‌دهند.

به گفته این روزنامه آمریکایی، در اغلب موارد نتیجه کار این سازمان‌ها با یکدیگر مشابه بوده و سبب اتلاف وقت و هزینه عمومی از یک سو و ایجاد آشفتگی و تضاد کاری از سوی دیگر می‌شود. واشنگتن‌پست بازدهی کار سازمان‌های امنیتی در آمریکا را «تولید زباله» نامیده است.

دوسوم این اطلاعات محرمانه در پنتاگون یعنی در وزارت دفاع آمریکا جمع‌آوری می‌شود، اما تنها تعداد محدودی از کارشناسان این وزارتخانه اجازه باربینی این اطلاعات را دارند. نتیجه این خواهد شد که این «برکاربران» که دارای حقوق ویژه‌ای نیز هستند، ناتوان از هضم، درک و دسته‌بندی اطلاعات موجود باشند. یکی از این کارشناسان پنتاگون گفت: «عمر من آنقدر نیست که بتوانم از همه این اطلاعات سر دریاورم».

به نظر کارشناسان تعدد سازمان‌ها و نهادهای امنیتی– اطلاعاتی و رقابت میان آنان بیش از آنکه



سبب بازدهی بیشتر شود، به اخلا در روند کارها منجر خواهد شد. رایونود تانتر یکی از کارشناسان امنیتی در کاخ سفید با نگرشی انتقادی در این‌باره می‌گوید: «زمانی که ۱۶ سازمان امنیتی به طور جداگانه و با ساختارهایی متفاوت مشغول به کار واحدی هستند باید مطمئن بود که رقابتی ناسالم شکل خواهد گرفت.»

گرچه از سال ۲۰۰۱ میلادی، یعنی از حمله به برج‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک، تاکنون عملیات تروریستی مهم و بزرگی در آمریکا رخ نداده، اما با این وجود فهرست مشغول به کار اهمال‌کاری‌ها و ناکامی‌های سازمان‌های امنیتی در آمریکا طولانی است.

در ماه‌های اخیر دست‌کم می‌توان به دو مورد از تلاش‌های تروریستی در آمریکا اشاره کرد که سازمان‌های امنیتی بدون هیچ‌گونه آمادگی در قبال آنها، غافلگیر شدند. به طور نمونه بمب‌گذاری در میدان معروف شهر نیویورک در اول ماه مه ۲۰۱۰ سبب شگفتی تمام سازمان‌های اطلاعاتی در آمریکا شد.

رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا و لئون پانتا رئیس سازمان امنیتی سیا درصددند همکاری میان نهادهای امنیتی را کارآمدتر سازند. به گفته پانتا تنها مخرج هنگفت دولتی دلیلی کافی برای اصلاح و تغییر در نهادهای امنیتی آمریکا است. به گفته پانتا برنامه‌های پنج‌ساله برای بازسازی سازمان امنیتی سیا تهیه شده است. واشنگتن‌پست می‌نویسد: «اما کاهش حجم فعالیت‌های سازمان‌های امنیتی به سادگی ممکن نیست، به ویژه تا زمانی که ندانیم چه کسی به چه کاری مشغول است.»

از سوی دیگر مقابله با تروریسم در آمریکا موضوعی به شدت سیاسی است که شهامت انتقاد از نهادهای امنیتی را از افراد سلب کرده است. هرگونه انتقاد و گزافه‌از کارکرد سازمان‌های امنیتی به معنای «ضعیف مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی» در آمریکا قلمداد می‌شود.